

# تحلیل فقهی ترک طواف نساء و چگونگی جبران آن

مهدی درگاهی<sup>۱</sup> و سیدامین جعفری<sup>۲</sup>

## چکیده

وجوب طواف نساء از احکام اختصاصی فقه امامیه در اعمال حج و عمره است و حج‌گزار یا عمره‌گزار پس از ادای همه اعمال و مناسک از جمله طواف نساء، مُحل می‌شود. گرچه بنابر فتوای فقیهان امامیه، بیشتر محرمات احرام با ادای تقصیر یا حلق بر حج‌گزار یا عمره‌گزار حلال می‌شود، اما وی باید از ارتکاب برخی محرمات احرام تا اتمام طواف نساء دوری کند. از این رو ادای طواف نساء نیز نقش مهمی در مُحل شدن مکلف دارد.

این تحقیق با تکیه بر تحلیل به‌دست‌آمده از روایات فراوان، که از لحاظ سندی و دلالتی بررسی شده و صحیح‌ه‌اند، حکم تکلیفی و وضعی ترک سهوی یا از روی جهل طواف نساء را بررسی و تحلیل کرده است. نتایج این تحقیق، که به صورت کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری صورت گرفته، نشان می‌دهد که در صورت ترک جهلی (جهل تقصیری) و سهوی لزومی به ادای کفاره نیست، اما مکلف باید طواف ترک‌شده را جبران نماید، و این جبران نمودن با توجه به قدرت مکلف بر اتیان متفاوت است، یعنی اگر خودش قدرت امتثال دارد باید چنین کند و در غیر این صورت می‌بایست نائب بگیرد.

**کلیدواژه‌ها:** طواف، نساء، وضعی، تکلیفی، سهو، جهل.

۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، استادیار گروه فقه و اصول جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران  
(mahdi\_dargahi@miu.ac.ir)

۲. سطح چهار حوزه علمیه، گرایش فقه و اصول (نویسنده مسئول) (aminnafari71@gmail.com).

## مقدمه

حج از عبادات بنیادی اسلام است که اعمال و مناسک فراوانی دارد. یکی از این اعمال از دیدگاه فقیهان امامیه طواف نساء است که جزء واجبات حج محسوب می‌شود و به شیعیان اختصاص دارد و از مناسک حج و عمره آنان به شمار می‌آید.

با مُحرم شدن حج‌گزار یا عمره‌گزار، لزوم دوری از محرّمات احرام بر عهده مکلف می‌آید و تنها با ادای همه اعمال و مناسک حج یا عمره، این محرّمات حلال می‌شود و شخص از احرام خارج می‌شود، لذا مطابق با فتوای بیشتر فقیهان، عمده محرّمات احرام با انجام حلق یا تقصیر حلال می‌شوند و تنها اختلاف فرّوق و مذاهب مختلف در تمتعات جنسی است که آیا حلیت با حلق یا تقصیر محقق می‌شود یا به انجام عمل دیگری مثل طواف نساء نیاز است؟ از این جهت در تحقیق پیش‌رو درباره حکم تکلیفی و وضعی طواف نساء و آثار ترک سهوی و جهلی آن بحث خواهیم کرد.

در مورد احکام حج و اعمال و مناسک آن کتب مختلفی به رشته تحریر در آمده است. فقیهان بسیاری از قدما و متأخرین مثل شیخ طوسی، شهید اول و محقق نجفی در مورد طواف نساء قلم زده‌اند و نیز علما و فقهای معاصر هم در کتب مناسک و هم بطور مفصل در دروس خارج خود به این بحث پرداخته‌اند، گرچه برخی از معاصرین کتابی را در مورد طواف نساء نوشته‌اند، لکن این مقاله به جهت اختصار حکم ترک سهوی و جهلی طواف نساء را بیان می‌دارد و از آنجا که مسئله دارای اهمیت است، لازم است که به این مطلب به‌طور دقیق پرداخته شود.

محتوای تحقیق حاضر با استناد به روایات صحیحه در خصوص ترک جهلی و سهوی طواف نساء تمرکز دارد و با اجتناب از مفصل‌گویی و عبارات پیچیده

سعی در این شده است که با استفاده از بیان ساده و سلیس و لکن به کار بردن مسائل استدلالی موضوع ترک سهوی و جهلی طواف نساء مورد بررسی واقع شود. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع رویکرد نویسنده این است که با بررسی روایات، حکم ترک طواف نساء را که مورد ابتلاء حاجیان است به دست آورد و وظیفه آن‌ها را در صورت ترک بیان کند.

### ۱. حکم تکلیفی طواف نساء

وجوب طواف نساء بین فقها محل اختلاف نیست؛ برای نمونه علامه حلی در تذکره می‌فرماید: «طواف نساء نزد علمای ما بر زنان و مردان و ناتوانان جنسی که بالغ‌اند، واجب است» (علامه حلی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۵۳). صاحب‌حدائق<sup>(ع)</sup> نیز می‌فرماید: «طواف نساء در حج و عمره مفرده واجب است و روایات فراوانی بر این مطلب دلالت می‌کند» (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۷، ص ۲۸۱). صاحب‌جوهر نیز وجوب طواف نساء در حج را اجماعی می‌داند (نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۹، ص ۴۰۵).

محقق خویی<sup>(ع)</sup> نیز معتقد است همان‌طور که طواف نساء بر مردان واجب است، بر زنان هم واجب است و اگر مردان آن را انجام ندهند، زنان بر آنها حرام می‌شوند و چنانچه زنان آن را انجام ندهند، مردان بر آنها حرام می‌شوند. ایشان همچنین مانند سایر فقها معتقد است طواف نساء افزون بر زنان و مردان بر خنثی هم واجب است؛ چراکه آنان یا مردند یا زن، و از این دو خارج نیستند؛ افزون بر این در حج تمتع سه طواف وجود دارد که هر سه واجب‌اند و یکی از آنها طواف نساء است که فرقی بین زن و مرد در ادای آنها نیست (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹، ص ۳۵۹). همچنین امام خمینی<sup>(ع)</sup> معتقد است اگر طواف نساء به عمد ترک شود، زن‌ها بر مردان و برعکس حلال نمی‌شوند و حرمت تا ادای طواف باقی است (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۳).

## ۲. حکم وضعی ترک طواف نساء

اعمال و مناسک حج مانند نماز اجزایی دارد که رکن محسوب می‌شوند؛ اما معنای رکن در حج با رکن در نماز متفاوت است؛ چه در نماز، ترک جزء رکنی به عمد یا غیر عمد موجب بطلان نماز است، اما در حج تنها ترک عمدی رکن موجب بطلان حج می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۶۵). طواف نساء خلاف طواف حج و عمره جزء اعمال حج نیست و وجوب مستقلاً دارد. از این رو با ترک آن عمداً یا سهواً حج یا عمره باطل نمی‌شود. به عبارت دیگر طواف از ارکان حج است، اما بین طواف‌های واجب، فقط طواف نساء رکن نیست. بنابراین حتی ترک عمدی آن نیز مبطل حج یا عمره نخواهد بود.

این عدم رکنیت طواف نساء بین علمای شیعه مسلم است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۴۸) و فقهای بسیاری بر آن تأکید کرده‌اند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۱۷؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۰۷؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۰۸). وضوح این مسئله به حدی است که به صورت قاعده‌ای فقهی با عبارت «کل طواف رکن الا طواف النساء» درآمده است (کاشانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۹).

شیخ طوسی<sup>ره</sup> نیز ضمن تصریح به عدم رکنیت طواف نساء بیان می‌کند اگر این طواف عمداً ترک شود، زن بر حج گزار حلال نیست تا اینکه طواف نساء انجام دهد و حج او هم باطل نمی‌شود (طوسی، ۱۳۸۷ق، ص ۳۸۳).

گفتنی است در این بحث، فرقی بین جزء بودن و نبودن طواف نساء نیست، اما به طور طبیعی کسانی که طواف نساء را واجبی مستقل و خارج از مناسک حج می‌دانند، عدم ابطال حج با ترک عمدی طواف نساء را به طریق اولی قبول دارند.

بین فقیهان متأخر نیز بسیاری معتقدند طواف نساء خارج از اعمال حج و واجب مستقلاً است. از کسانی که به این مسئله تصریح کرده‌اند، می‌توان صاحب مدارک (موسوی عاملی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۱۷۳)، صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۱۵۷) و صاحب ریاض (طباطبایی کربلایی،

۱۳۸۲ش، ج ۷، ص ۷۷) را نام برد. همچنین از میان متأخران، محقق خوبی (خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۳۵۹)، محقق داماد (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۵۱۸)، آیت‌الله تبریزی (۱۴۲۳ق، ص ۱۷۹)، آیت‌الله نوری همدانی (افتخاری گلپایگانی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۵۹۵)، آیت‌الله سبحانی (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۳۲۰) و امام خمینی علیه السلام بر همین عقیده‌اند.

برخی نیز در تبیین رکن نبودن طواف نساء از روایتی بهره برده‌اند که جزئیت آن را نفی می‌کند. (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۴۱). از این رو می‌توان گفت از دیدگاه ایشان نیز طواف نساء جزء نیست.

به هر روی خواه طواف نساء جزء باشد و خواه نه، در صورت ترک عمدی طواف نساء، حج گزار یا عمره گزار باید قضای آن را به جا آورد تا حرمت نساء برداشته شود. این حکم در صورت نسیان و جهل نیز وجود دارد و باید گفت عدم حلیت نساء اثر وضعی ترک طواف نساء است و علم، جهل و سهو تأثیری در ترتب این حکم ندارد. بنابراین با توجه به رکن نبودن طواف نساء، ترک آن موجب بطلان حج یا عمره نمی‌شود و حاجی باید آن را جبران کند.

### ۳. کفاره ترک طواف نساء (حکم تکلیفی)

چنان‌که گذشت، طواف نساء واجب مستقل یا جزء غیر رکنی در اعمال و مناسک حج محسوب می‌شود و با ترک عمدی یا سهوی یا جهلی آن خللی به حج یا عمره وارد نمی‌آید. اما ممکن است این سؤال مطرح شود که ترک آن افزون بر اینکه موجب عدم جواز تمتع از نساء است، چه حکم وضعی دیگری در پی دارد؟ به عبارت دیگر آیا ترک طواف مزبور مستلزم کفاره است یا خیر؟

#### الف) ترک سهوی

از برخی روایات چنین برمی‌آید که ترک سهوی طواف نساء مستلزم کفاره است. یکی از روایاتی که بر لزوم پرداخت کفاره در پی ترک طواف نساء دلالت

می‌کند، روایت عمار سباباطی است. در این روایت، که از لحاظ سندی صحیح است، جناب عمار از امام صادق علیه السلام درباره حکم مردی سؤال می‌کند که ادای طواف نساء را فراموش کرده و به وطن خود بازگشته است. حضرت در پاسخ می‌فرمایند: «قربانی کردن شتری بر عهده اوست که باید بین صفا و مروه آن را ذبح کند».<sup>۱</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۸۹). این روایت، چنان‌که گذشت، به‌صراحت بر لزوم ادای کفاره در فرض ترک غیر عمدی طواف نساء و از روی فراموشی دلالت می‌کند.

### ب) ترک جهلی

پیش از بیان حکم کفاره در فرض ترک جهلی طواف نساء توجه به این نکته مهم است که جهل از جهت منشأ تحقق آن بر دو نوع است: جهل قصوری و جهل تقصیری.

جهل قصوری در اصطلاح فقه عبارت است از اینکه شخص جاهل، در جهالت خود مقصر نیست و درواقع به چنین جاهلی جاهل معذور می‌گویند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵ش، ج ۳، ص ۴۱).

در مقابل جهل قصوری، جهل تقصیری قرار دارد. در اصطلاح فقه، جهل تقصیری وقتی است که شخص جاهل در تحصیل علم کوتاهی کرده است؛ یعنی می‌توانست جهلش را برطرف کند، اما خود عمداً به دنبال برطرف کردن جهلش نرفته است؛ مثلاً می‌توانسته احکام دینی خود را از عالم به حکم سؤال کند و در جهل مرکب هم قرار نداشته و در عین حال کوتاهی کرده و جاهل مانده است. درواقع به این جاهل، جاهل غیر معذور می‌گویند. (همانجا).

۱. «عَمْرُو بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابِاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ نَسِيَ أَنْ يَطُوفَ طَوَافَ النِّسَاءِ حَتَّى رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ قَالَ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ يَنْخُزُهَا بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَوْزَةِ...».

### یک- اقوال در مسئله

فقها درباره حکم ترک طواف زائد از روی جهل به صورت کلی بحث کرده و درباره حکم خصوص ترک جهلی طواف نساء سخنی نگفته‌اند و اعتقادشان بر این مطلب استوار شده که در صورت جهل و انجام ندادن طواف، فرقی بین طواف زیارت و طواف نساء وجود ندارد و در هر صورت شخص حج‌گزاری که طواف را ترک کرده، باید شتری را در مکه قربانی کند (مظاهری، ص ۲۶۲).

### دو- ادله اقوال

فقیهان امامیه برای اثبات لزوم پرداخت کفاره در فرض ترک جهلی طواف نساء دلیل و روایت خاصی بیان نکرده‌اند. اما برخی فقیهان معاصر معتقدند می‌توان با استناد به روایت صحیح علی بن یقظین حکم مسئله را روشن کرد.<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ابواب طواف، باب ۵۶، ص ۴۰۴، ح ۱). این صحیح در باره فردی است که به لزوم ادای طواف واجب در حج جهل داشته و حکمش را از امام علیه السلام سؤال کرده است. حضرت می‌فرمایند: «اگر به دلیل جهالت طواف واجبش را انجام نداده است، باید طواف را اعاده کند و یک شتر کفاره دهد». در این روایت عنوان «طواف فریضه» شامل طواف نساء هم می‌شود و فرد باید طواف را انجام دهد و شتری کفاره دهد. البته لزوم پرداخت کفاره پس از توجه و علم و انجام مقاربت بر عهده او می‌آید (درس خارج فقه آیت‌الله مکارم شیرازی، ۹۳/۱۱/۲۷).

### ۴. چگونگی جبران طواف نساء

یکی از مسائلی که برای تارک طواف نساء اهمیت دارد، جبران طواف نساء

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْتِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَسْطِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ جَهْلٌ أَنْ يُطَوِّفَ بِالْبَيْتِ - طَوَّافَ الْفَرِيضَةِ قَالَ إِنْ كَانَ عَلَى وَجْهِ جَهَالَةٍ فِي الْحَجِّ - أَعَادَ وَ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ».

است. جبران طواف مزبور می‌تواند با خود شخص یا به صورت نیابی باشد، اما غالباً جبران نیابی آن ممکن می‌شود؛ زیرا معمولاً حجاج پس از اتمام مناسک حج به وطن خود بازمی‌گردند و برای ادای طواف نساء باید یا به حج برگردند یا نایب بگیرند تا به نیابت از آنها طواف انجام دهد. نیز از آنجاکه طواف از اعمال نیابت‌بردار است (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۴۸۱)، وقتی نایب آن را ادا می‌کند، حلال بودن استمتاع برای منوب‌عنه ثابت می‌شود و بر این مطلب اتفاق وجود دارد (نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۹، ص ۳۸۷).

### الف) اقوال در مسئله

درباره امکان نیابت در طواف نساء برای تارک جاهل دو نظریه وجود دارد: یک- بعضی فقها مثل شیخ طوسی، علامه حلی و فاضل هندی صحت نیابت در طواف نساء را به عدم امکان بازگشت و معذوریت مکلف منوط دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۵۵؛ علامه حلی، ج ۱۱، ص ۳۶۸؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۴۸۰).

دو- برخی دیگر مانند مقدس اردبیلی، شهید ثانی، فیض کاشانی و آیت‌الله تبریزی نیابت را مطلقاً حتی در صورت امکان بازگشت صحیح دانسته‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۱۳۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۵۷؛ همو، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۰۱؛ فیض کاشانی، ج ۱، ص ۳۶۵؛ کاشف الغطاء، ص ۱۴۳؛ تبریزی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۵۹) و شهید اول جواز استنباه برای قادر بر بازگشت را در فرض فراموشی طواف اشهر دانسته است (شهید اول، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۰۴).

تعدادی از فقهای معاصر، نیت منوب‌عنه را لازم شمرده (روح الله خمینی، ۱۳۹۳ش، ص ۶۵۱) و بعضی نایب را بین نیت ما فی الذمه و قصد منوب‌عنه مخیر و قصد ما فی الذمه را احوط استحبابی دانسته‌اند. (میرزا جواد تبریزی، ۱۳۸۴ش، ص ۸۷) محقق خوئی نیز می‌فرماید:

درست است که نایب اعمال را انجام می‌دهد اما در واقع این اعمال را برای



منوب عنه انجام می‌دهد و باید منوب عنه و نه نائب بری الذمه از انجام عمل شود، لذا نیت منوب عنه معتبر است (خوئی، ۱۴۱۸ ق، جلد ۲۹، ص ۳۶۲).  
 درباره تارک عامد، اختلافی وجود ندارد که تکلیف اولی او این است که طواف را خود او انجام دهد؛ اما در صورت عدم امکان بازگشت و عذر، برخی مثل شهید اول در لمعه (شهید اول، ۱۴۱۰ ق، ص ۷۱) و شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۲۵۷) و همچنین تعدادی از فقیهان معاصر نیابت را صحیح دانسته‌اند (افتخاری گلپایگانی، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص ۶۰۰). برخی نیز قائل‌اند به اینکه حتی اگر تارک عامد عذر داشته باشد، نمی‌تواند نایب بگیرد و حرمت نساء بر او باقی می‌ماند (تبریزی، ۱۴۲۳ ق، ج ۳، ص ۲۶۰؛ محقق کرکی، ج ۳، ص ۲۰۳). البته برخی از آنان نیابت را در صورت ممکن نبودن بازگشت به نحو مطلق قبول کرده‌اند (افتخاری گلپایگانی، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص ۶۰۰). از ظاهر سخن برخی دیگر نیز عدم صحت نیابت برمی‌آید؛ زیرا به صورت مطلق به لزوم بازگشت برای عامد حکم کرده‌اند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷، ص ۱۳۹).

### ب) ادله اقوال

با توجه به اینکه همه روایات به غیر از یک روایت از معاویة بن عمار بوده و برداشت از این روایات مختلف است، نخست روایات مد نظر را بیان می‌کنیم و سپس برداشت نهایی را می‌آوریم:  
 یک- صحیحہ اول معاویة بن عمار:  
 معاویة بن عمار می‌گوید

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «مردی که طواف نساء را فراموش کرده و به نزد خانواده‌اش برگشته، وظیفه‌اش چیست؟» حضرت فرمود: «از طرف او می‌بایست طواف انجام شود و اگر قبل از اینکه از طرفش طواف انجام دهند، بمیرد، ولی‌اش از جانب او انجام می‌دهد»<sup>۱</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۲۵۵).

۱. «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ طَوَافَ النِّسَاءِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ قَالَ يُرْسَلُ فَيَطَّافُ عَنْهُ فَإِنْ تُوفِّيَ قَبْلَ أَنْ يَطَّافَ عَنْهُ فَلْيَطَّفْ عَنْهُ وَوَلِيَهُ».

- بررسی سند: با توجه به صحت طریق شیخ طوسی به حسین بن سعید (ابن شهید ثانی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۷۱) و جلیل القدر بودن راویان سند، این روایت صحیح است (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۱۳۲).

- بررسی دلالت: در این روایت بدون تفصیل بیان شده است که اگر حاجی طواف نساء را فراموش کند و به خانه‌اش برسد، باید نایب بفرستد تا طواف را انجام دهد و اگر از دنیا برود، پسر بزرگ او باید طواف را برایش قضا کند. بنابراین در این روایت به صورت مطلق به استنباه امر شده است. محقق اردبیلی بعد از بیان این روایت می‌فرماید: «روایت بر جواز نیابت در حال اختیار دلالت دارد و شریعت سهله سمحه و عدم مشقت و حرج نیز مؤید آن است». (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۱۳۲).

دو- صحیحہ دوم معاویة بن عمار:

معاویة بن عمار می‌گوید به امام صادق علیه السلام گفتیم: «مردی که طواف نساء را فراموش کرده و به نزد خانواده‌اش برگشته، حکمش چیست؟» حضرت فرمودند: «تا زمانی که کعبه را زیارت نکرده، زنان بر او حلال نمی‌شوند»، و فرمودند: «اگر به حج نرفت، از کسی (نایب) می‌خواهد که از طرف او طواف را قضا کند و اگر قبل از این کار از دنیا رفت، ولی او یا دیگری از طرفش طواف را قضا می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۱۳).

- بررسی دلالت: در این روایت، در صورت نرفتن به حج، امر به نیابت شده و اعم از این است که بتواند به حج برود یا امکان رفتن به حج نداشته باشد. به همین دلیل صاحب ریاض در این‌باره می‌نویسد:

ظاهر از کلام امام علیه السلام که می‌فرماید «قَالَ: يَا مُرُّ أَنْ يَقْضَى عَنْهُ إِنْ لَمْ يُحِجَّ»، این است که اگر اراده بازگشت ندارد، نایب بگیرد و این اعم از صورت تعذر و عدم

۱. «عَلِيُّ بْنُ إِزَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ نَسِيَ طَوَافَ النِّسَاءِ حَتَّى دَخَلَ أَهْلَهُ، قَالَ: لَا تَجَلُّ لَهُ النِّسَاءُ حَتَّى يَرُورَ الْبَيْتَ وَقَالَ يَا مُرُّ أَنْ يَقْضَى عَنْهُ إِنْ لَمْ يُحِجَّ فَإِنْ تَوَفَّى قَبْلَ أَنْ يَطَافَ عَنْهُ فَلْيَقْضِ عَنْهُ وَلِيَهُ أَوْ غَيْرُهُ».

تعذر است، بلکه ظهور در عدم تعذر دارد؛ چراکه اگر مراد تعذر بود، باید گفته می‌شد «يَأْمُرُ مَنْ يَقْضِي عَنْهُ أَنْ لَا يَقْدِرَ عَلَى الْحَجِّ». این خود قرینه‌ای است که تعبیر «لَا تَحِلُّ لَهُ النَّسَاءُ حَتَّى يُزُورَ الْبَيْتَ»؛ یعنی زنان بر او حلال نمی‌شوند تا اینکه خود یا دیگری به زیارت بیت بروند. (طباطبایی کربلایی، ۱۳۸۲ش، ج ۷، ص ۹۲).

سه- صحیحہ سوم معاویة بن عمار:

معاویة بن عمار می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «مردی که طواف نساء را فراموش کرده و به نزد خانواده‌اش برگشته است، حکمش چیست؟» حضرت فرمود: «تا وقتی که کعبه را زیارت نکرده است، حلیت زنان بر او ثابت نمی‌شود؛ اگر قبل از این کار فوت کرد، ولی او یا دیگری از طرفش طواف را قضا می‌کند، اما تا زمانی که حی است، نمی‌توان از طرف او طواف را قضا کرد؛ البته اگر رمی جمرات را فراموش کرد، حکم این دو مثل هم نیست؛ زیرا رمی سنت است و طواف فریضه»<sup>۱</sup> (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۵۵).

بررسی دلالت: ظاهر روایت این است که فراموش‌کننده طواف نساء تا وقتی زنده است، در صورت عدم امکان بازگشت، نمی‌تواند نایب بگیرد و فقط در صورت وفات وی، طواف از طرف او قضا می‌شود (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۱۸۱)؛ گرچه احتمال دارد مراد روایت این باشد که تا وقتی فرد زنده است، کسی نمی‌تواند بدون نیابت یا امر او طواف انجام دهد (تبریزی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۵۹).

بعضی مثل صاحب ریاض تعبیر «فَلَا يَصْلُحُ» را ظاهر در کراهت دانسته و روایت مذکور را از ادله جواز استنباط به طور مطلق شمرده و ضمناً ادعا کرده‌اند همه متأخران، عدم صلاح را اعم از کراهت و حرمت دانسته‌اند (طباطبایی

۱. «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ فَضَّالَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ طَوَافَ النَّسَاءِ حَتَّى رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ، قَالَ: لَا تَحِلُّ لَهُ النَّسَاءُ حَتَّى يُزُورَ الْبَيْتَ فَإِنْ هُوَ مَاتَ فَلْيَقْضِ عَنْهُ وَلِيَهُ أَوْ غَيْرِهِ فَأَمَّا مَا دَامَ حَيًّا فَلَا يَصْلُحُ أَنْ يَقْضِيَ عَنْهُ فَإِنَّ نِسْيَ الْجَمَازِ فَلَيْسَا بِسَوَاءٍ إِنَّ الرُّمِيَّ شُنَّةٌ وَ الطَّوَافُ فَرِيضَةٌ».

کربلایی، ۱۳۸۲ش، ج ۷، ص ۹۲). شیخ طوسی نیز به صراحت «فَلَا يَصْلُحُ» را در روایتی دیگر مرتبط با کراهت دانسته (طوسی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۲۹۹) و صاحب جواهر نیز کلام صاحب ریاض را نقل و تأیید کرده است (نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۹، ص ۳۸۹). اما به نظر می‌رسد عبارت «فَلَا يَصْلُحُ» بیشتر در معنای حرمت و فساد استعمال دارد، هرچند در معنای کراهت نیز به کار می‌رود. البته کثرت مورد باعث ظهور نمی‌شود و در نتیجه در روایت محل بحث به تبع محقق داماد (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۵۲۴) می‌توان گفت اگر قرینه‌ای نباشد، به دلیل عدم قوت در منع و حرمت، بر حرمت حمل نمی‌شود.

در هر حال اگر ظهور در کراهت پذیرفته شود، می‌توان آن را قرینه‌ای بر صدر روایت دانست و گفت مراد از زیارت کعبه تحقق طواف است؛ اما اگر این ظهور پذیرفته نشود، قرینه‌ای بر تصرف نیست و صدر روایت در مباشرت در طواف ظهور خواهد داشت (همانجا)؛ اما تنها اطلاق شرطیت مباشرت حتی در صورت تعذر مورد پذیرش پذیرفته‌اند؛ چه اطلاق این روایت خلاف ضرورت فقه و اجماع است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۴۳۱). بنابراین به ذیل روایت، که صلاحیت نیابت را از زنده نفی کرده، تمسک می‌شود و همان‌طور که گفتیم، عدم صلاحیت ظهور در حرمت ندارد.

#### چهار- صحیحہ علی بن جعفر رضی اللہ عنہ:

علی بن جعفر می‌گوید از برادرم سؤال نمودم: «فردی که طواف واجب را فراموش و پس از بازگشت به وطن با همسر خود مقاربت کرده است، چه کند؟» حضرت فرمودند: «اگر طواف نساء را در حج فراموش کرده، یک قربانی به عنوان کفاره در حج باید ارسال کند و اگر طواف نساء را در عمره فراموش نموده، یک قربانی به عنوان کفاره در عمره باید ارسال کند و کسی را

وکیل کند که طواف ترک شده را انجام دهد»<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۴۰۶).

- بررسی سند: با توجه به صحت طریق شیخ طوسی به علی بن جعفر (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۳۴۱) این روایت صحیح و معتبر است.  
- بررسی دلالت: در روایت بالا تعبیر «طَوَافُ الْفَرِيضَةِ» آمده و صریحاً ذکر کرده طواف نساء نشده است. شیخ طوسی طواف فریضه را بر طواف نساء حمل کرده است؛ زیرا معتقد است طواف حج قابل نیابت نیست (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۸). اگر چنین حملی پذیرفته نشود، دست کم می توان طواف فریضه را عامی دانست که شامل طواف نساء نیز می شود (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۶۴).  
از ظاهر کلام برخی فقها نیز برمی آید که این روایت فقط ناظر به طواف زیارت است (موسوی عاملی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۱۸۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۴۲۷). مرحوم آیت الله خوئی رحمه الله طواف فریضه را مختص طواف حج یا عمره می داند و در این باره می فرماید:

فریضه طوافی است که خداوند در قرآن کریم واجب دانسته، اما طواف نساء طواف واجبی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جعل کرده و واجب مستقلی است که پس از حج انجام می شود. پس ظاهر از طواف فریضه طواف واجب در حج است. حضرت فرموده اگر ترک طواف در حج بوده، باید در حج کفاره را ادا کند و اگر در عمره بوده، آن را در عمره ادا کند. از این رو حمل طواف فریضه بر طواف نساء واجب در حج و حمل عمره بر عمره مفرده بسیار دور از ذهن است (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹، ص ۹۱).

این بیان نخست مبتنی بر این است که طواف نساء را واجبی مستقل و از

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْتِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ - حَتَّى قَدِمَ بِلَادَهُ وَ وَاقَعَ النِّسَاءَ كَيْفَ يَضَعُ - قَالَ: يَبْعَثُ بِهَدْيٍ إِنْ كَانَ تَرَكَهُ فِي حَجٍّ بَعَثَ بِهِ فِي حَجٍّ - وَإِنْ كَانَ تَرَكَهُ فِي عُمْرَةٍ بَعَثَ بِهِ فِي عُمْرَةٍ - وَ وَكَلَّ مَنْ يَطُوفُ عَنْهُ مَا تَرَكَهُ مِنْ طَوَافِهِ».

حقیقت حج خارج بدانیم و اطلاق طواف فریضه بر طواف نساء را نپذیریم؛ با اینکه طواف فریضه بر طواف نساء نیز اطلاق شده و آیه «وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج: ۲۹) بر آن تطبیق شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۱۲). پس این گونه نیست که فرض الله نبوده و فقط فرض النبوی ﷺ باشد. از این رو در روایتی تصریح شده که طواف نساء مانند رمی، سنت نیست، بلکه فریضه است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۵۵) که ظاهراً مراد از فریضه واجبی است که از قرآن برداشت می‌شود (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۱۳۱). بنابراین ادعای انصراف به طواف زیارت و عدم شمول بر طواف نساء پذیرفتنی نیست.

در مقابل، برخی فقها مانند محقق داماد احتمال داده‌اند تعبیر «و واقع النساء» قرینه‌ای بر طواف نساء باشد؛ زیرا حرمت مواقعه هنگام ترک طواف نساء بیشتر در اذهان مرتکز است (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۵۲۱). گرچه اختصاص روایت به طواف نساء بعید است، با توجه به اطلاق طواف فریضه بر طواف نساء و نیز تقابل طواف فریضه با طواف نافله به نظر می‌رسد شمول روایت بر طواف نساء دور از ذهن نیست. بنابراین در این روایت نیز نایب گرفتن برای ادای طواف نساء به صورت مطلق ذکر شده و بر عدم امکان بازگشت معلق نشده است. گفتنی است با توجه به عدم ثبوت کفاره در صورت فراموشی، مباشرت با نساء در این روایت بر حالت ذکر حمل شده است (موسوی عاملی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۱۸۳).

پنج- روایت حماد بن عثمان:

روایت می‌فرماید در مورد مردی که طواف نساء را فراموش کرده است و به خانه رسیده است از حضرت ع سوال شد، حضرت فرمود که اگر از روی جهالت طواف را ترک کرده است باید حجش را اعاده کند و یک شتر به عنوان قربانی بدهد.<sup>۱</sup> (حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۴۰۴)

۱. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَىٰ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ جَهَلَ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ - حَتَّى رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ قَالَ - إِذَا كَانَ عَلَى وَجْهِ جَهَالَةٍ أَعَادَ الْحُجَّ وَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ.

### ج) نقد و بررسی و بیان قول مختار

در نگاه اول به نظر می‌رسد بین روایات بالا تعارض وجود دارد؛ زیرا برخی در صحت مطلق و برخی در مطلق مباشرت و عدم نیابت ظهور دارد و روایتی نیز نیابت را در صورت تعذر جایز دانسته است. از این رو باید میان روایت‌ها جمع کرد.

گفتیم روایت دال بر مطلق مباشرت مخالف با اجماع است و در نهایت می‌توان روایات را از حیث محتوا به دو دسته تقسیم کرد: برخی روایات به صورت مطلق نیابت را حتی در صورت قدرت مکلف بر ادای آن مجاز می‌دانند؛ در حالی که برخی دیگر جواز نیابت را به عدم قدرت بر جبران طواف مشروط کرده‌اند.

**وجه جمع اول:** بسیاری از فقها روایاتی که در استنباه مطلق ظهور دارند را مقدم دانسته‌اند؛ زیرا روایات دیگر، در عدم جواز، در صورت ممکن نبودن بازگشت صراحت ندارد (موسوی عاملی، ۱۴۲۹ق، ج ۸، ص ۱۸۳). از این رو روایات بر استحباب مباشرت و عدم استنباه در حال قدرت (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۵۷۲) یا کراهت استنباه در حال اختیار حمل می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۱۶). برخی شاهد این جمع را تعبیر «لا یصلح» در صحیحہ معاویة بن عمار می‌دانند (همانجا).

**وجه جمع دوم:** برخی دیگر از فقها از باب تقدیم خاص بر عام یا مقید بر مطلق روایتی را که در آن استنباه به عدم قدرت منوط شده است، بر روایت استنباه صورت مطلق، مقدم کرده‌اند. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۴۸۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۱۸۰؛ قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۷۰؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۹۳).

**وجه جمع سوم:** حمل روایات مطلق استنباه بر صورت غالب، یعنی فرض تعذر بازگشت (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۲۸؛ طباطبایی کربلایی، ۱۳۸۲ش، ج ۷، ص ۹۲؛ نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۹، ص ۳۸۸؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹، ص ۳۶۶)

وجه دیگری است که برخی فقها بیان کرده‌اند. مطابق این وجه تعارضی بین دو دسته روایات باقی نمی‌ماند؛ زیرا مفروض روایات استنابه نیز صورتی است که مباشرت متعذر یا متعسر است.

### نتیجه‌گیری

از منظر فقه، طواف نساء از مختصات فقه شیعه است و نامی از آن در منابع روایی و فقهی اهل سنت پیدا نشده است. طواف نساء در فقه شیعه جایگاهی بالا و احکام فراوانی دارد.

از روایات مختلف، که صحت آنها بررسی شد، مستفاد می‌شود وجوب طواف نساء وجوبی نفسی است و بر هر کسی که بیت‌الله‌الحرام را زیارت می‌کند، حتی بر بانوان و کسانی که میل به ازدواج ندارند، واجب است. همچنین در صورت ترک آن و وفات فرد، ولی او باید برای متوفی نایب بگیرد. فارغ از وجوب نفسی و شرطی، جزء بودن این طواف برای اعمال حج بحث دیگری است که ثمراتی بر آن مترتب است. در عین حال که بسیاری از فقها به وجوب استقلالی آن معتقدند، علمای امامیه بر رکن نبودن طواف نساء در اعمال حج اتفاق دارند. در نتیجه حتی با ترک عمدی آن عمره یا حج باطل نمی‌شود. همان‌طور که مکلف در صورت ترک عمدی طواف نساء باید قضای آن را به‌جا آورد تا حرمت نساء برداشته شود، در صورت نسیان و جهل نیز باید آن را اتیان کند. حال اگر مکلف خود قدرت بر اتیان داشته باشد، باید اعمال را انجام دهد، اما اگر قدرت امثال نداشته باشد، باید نایب بگیرد. همچنین باید گفت عدم حلیت نساء اثر وضعی ترک طواف نساء است و علم، جهل و سهو اثری در ترتب این حکم ندارد.



## منابع

﴿قرآن کریم﴾

۱. ابراهیم، صالح بن محمد (۱۴۱۶ق)، احکام طواف الوداع، ریاض، فہرسہ مکتبہ ملک فہد..
۲. ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۳. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۶ق)، مجموعه فتاوی ابن بابویه، چاپ اول، قم، چاپخانه اخلاص.
۴. ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر (۱۴۰۶ق)، المہذب، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۵. ابن شہید ثانی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، إستقصاء الإعتبار فی شرح الإستبصار، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت.
۶. ابن فہد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، المہذب البارع فی شرح المختصر النافع، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صدر.
۸. افتخاری گلپایگانی، علی (۱۴۲۸ق)، آراء المراجع فی الحج، چاپ اول، تهران، مشعر.
۹. بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۱۰. تبریزی، جواد (۱۴۲۳ق)، التهذیب فی مناسک العمرة و الحج، چاپ اول، قم، دارالتفسیر.
۱۱. جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، الفقه علی المذاهب الاربعہ، چاپ اول، بیروت، دارالتقلین.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، وسائل الشیعة، چاپ اول، بیروت، مؤسسة آل البيت.
۱۳. خمینی، سیدروح الله (بی تا)، تحریر الوسيلة، چاپ اول، قم، مؤسسة مطبوعات دارالعلم.
۱۴. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الامام خوئی، چاپ اول، قم، مؤسسة احیاء آثار الامام خوئی.
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۴۲۴ق)، الحج فی شریعة الاسلامیة الغراء، قم، مؤسسة امام صادق.
۱۶. سبزواری، سیدعبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مہذب الاحکام، قم، دارالتفسیر.
۱۷. شہید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق)، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، بیروت، دارالتراث.
۱۸. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۲ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۱۹. شہید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، مکتب الاعلام الإسلامی.
۲۰. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۰ق/الف)، روض الجنان فی شرح ارشاد الازهان، قم، مؤسسة آل البيت.
۲۱. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۳ق/ب)، مسالك الافہام الی تنقیح شرائع الاسلام، چاپ اول، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیہ.
۲۲. طباطبائی قمی، تقی (۱۴۲۵ق)، مصباح الناسک فی شرح المناسک، تحقیق غالب سیلاوی، قم، محلاتی.
۲۳. طباطبائی کربلائی، علی بن محمد علی (۱۳۸۲ش)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام

- بالدلائل، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳ش)، الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، چاپ اول، تهران، دارالکتب الإسلامية
۲۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامية، چاپ سوم، تهران، المكتبة الرضوية.
۲۶. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۷ق/الف)، تهذيب الاحكام، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلاميه.
۲۷. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۷ق/ب)، الخلاف، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامي (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۲۸. عراقی، ضیاءالدين (۱۴۱۴ق)، شرح تبصرة المتعلمين، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامي (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف (بی تا)، تذکرة الفقهاء، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۳۰. علم الهدی، علی بن حسین (بی تا)، الانتصار فی انفرادات الامامية، مؤسسة نشر اسلامي.
۳۱. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۴ش)، کتاب الحج، چاپ دوم، قم.
۳۲. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۸ق)، تفصيل الشريعة فی شرح تحرير الوسيلة، الحج، چاپ دوم، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۳۳. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحكام، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامي (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۳۴. قمی، سیدحسن (۱۴۱۵ق)، کتاب الحج، چاپ اول، قم، مطبعة باقری.
۳۵. کاشانی، حبیب الله بن علی مدد (۱۴۰۴ق)، مستقصى مدارک القواعد، چاپ اول، قم، چاپخانه علمیه.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۳۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۶ق)، ملاذ الاخبار فی فهم تهذيب الاخبار، چاپ اول، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی عليه السلام.
۳۸. محقق داماد، سیدمحمد (۱۴۰۱ق)، کتاب الحج، تقرير عبدالله جوادی آملی، چاپ اول، چاپخانه مهر.
۳۹. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق)، الفقه على المذاهب الخمسة، چاپ دهم، بیروت، دارالجواد.
۴۰. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة والبرهان، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامي (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۴۱. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۲۹ق)، مدارک الاحكام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، مشهد، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۴۲. نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۳۹۲ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، تهران، دارالکتب الاسلاميه.
۴۳. نراقی، احمد بن محمدمهدي (۱۴۱۵ق)، مستند الشيعة فی أحكام الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۴۴. هاشمی شاهرودی، سیدمحمد (۱۳۹۵ش)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليه السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليه السلام.
۴۵. \_\_\_\_\_، (۱۴۰۲ق)، کتاب الحج، چاپ اول، قم، مؤسسة انصاريان.